

۴ - مقام عظیم شهادت و بلائی فی سبیل الله¹

و نیز از حضرت بهاءالله است . **قوله الاعز الامنع** : اگر ناس بدیده بصیرت ملاحظه نمایند مشهود شود که این محن و بلایا و مشقت و رزایا که بر مخلصین و مؤمنین نازل و وارد است عین راحت و حقیقت نعمت است و این راحت و عزت معروضین از حق نفس مشقت و عذاب و زحمت است زیرا که نتیجه و ثمره این بلایا راحت کبری و علت وصول برفرف اعلی است و پاداش و اثر این راحت زحمت و مشقت عظمی است و سبب نزول در درک سفلی پس در هیچ وقت و اوان از نزول بلایا و محن محزون نباید بود و از ظهورات قضایا و رزایا مهموم و مغموم نشاید شد .

و قوله جل و علا : اشهد یا محبوبی ان الشهادة فی سبیلک کانت امل انبیائک و امنائک قد نطق بذلك نقطه البيان الذی استشهد فی سبیلک و قال و قوله الحق یا بقیة الله قد فدیته بکلی لک و رضیت السب فی سبیلک و ما تمیت الا القتل فی محبتک .

و در لوح رئیس است . قوله الاعز الرفع : یا لیت یسفک دماننا علی وجه الارض فی سبیل الله و نکون مطروحین علی الثری هذا مرادی و مراد من ارادنی و صعد الی ملکوتی الابدع البدیع .

وقوله جل و عز : قسم بأفتاب ملکوت صدق که هر نفسی از دوستان الهی که در آن واقعه شربت شهادت آشامید برفیق اعلی صعود نمود و در ظل قباب رحمت الهی ساکن و مستریح گشت اگر آن مقامات بقدر سم ابره تجلی نماید کل بندای یا لیتنی کنت معه ناطق میگردند .

و قوله خطاباً للجمال عز کلماته و آیاته : اما در تبدیل خواری و مذلت ای جمال این ذلتهای وارده بر تو لامر الله بوده و این عزتی است فخر عزتها لو تعرف لتستأنس مع الذلة و تقول یا ذلة روحی لک الفداء این انت قد قبلتک کلها لربی العزیز الحمید .

¹ همانطور که ما دارای جسم و روح هستیم باید قوای جسمانی و روحانی خود را هر دو حفظ نماییم و اگر قوای روحانی ضعیف گردد قوای جسمانی نیز نقصان پذیرد و اگر قوای جسمانی مختل گردد روح متأثر خواهد شد پس باید سعی کرد هر دو سالم و قوی بماند . (دینکرد جلد ۷ ص ۱۹۱-۱۹۲)

و در مناجاتی قوله الافصح الاعظم الاعلی : و کبر اللهم یا الهی علی مظاهر الشّهاده الذین آنفقوا ارواحهم و اجسادهم فی هذا الامر الذی به ظهر الفزع الاکبر و ناح سگان مدائن الاسماء و بهم ظهر امرک و انتشار ذکرک و لاح ظهورک ایرب فانزل علیهم ما ینبغی لشأنک و یلیق لحضرتک لاتهم عملوا ما کان علیهم و بقی ما کتبتّه علی نفسک لهم .

و قوله الاحلی : و من دماهم حملت الارض ببدايع ظهورات قدرتك و جواهر آیات عز سلطنتک و سوف تحدث اخبارها اذا اتت میقاتها .

و در کلمات مکنونه . قوله الحق : فاكتب من مداد الاحمر الذی سفک فانه أحلی عندی عن کلشی لیثبت نوره الی الأبد .

و در یکی از آثار در حق میرزا علی محمد بن اصدق قوله الاعلی : انشاء الله به کمال تقدیس و تنزیه و ما ینبغی لیوم الله مشاهده شود و بمقام شهادت کبری فائز گردد الیوم خدمت امر از اعظم اعمال است باید نفوس مطمئنه بکمال حکمت به تبلیغ امر الله مشغول شوند تا نفحات قمیص رحمانی در جمیع جهات متضوع گردد این شهادت محدود بذبح و انفاق نبوده چه که میشود انسان با نعمت حیات از شهداء در کتاب مالک اسماء ثبت شود طوبی لک بما اردت انفاق مالک و منک و عندک فی سبیلی .

و در لوح عدل . قوله الاعز : و الذین استشهدوا فی سبیل الله فی هذه الايام اولئک من اعلى الخلق کانوا ان یدکروا الله جهره بحیث ما منعهم کثرة الاعداء عن ذکر الله بارئهم الی ان استشهدوا و کانوا من الفائزین و فی حین ارتقاء ارواحهم استقبلتهم قبائل ملأ الاعلی کلها برایات الامر کذلک قضی الامر بالحق من لدن مقتدر قدیر .

و از حضرت عبدالهء خطاب به میرزا حسن ادیب طالقانی از ایادی امر الله راجع به شهءاء یزد سال ۱۳۲۱ است . قوله الحکیم : هو الله ای ایادی امرالله فی الحقیقه در آنچه واقع شده قصوری از نفسی نبوده و کل در نهایت خلوص بودند و مقصدی جز جانفشانی در سبیل الهی نداشتند امری باین عظمت لابد چنین طوفانها

دارد عزیز مصر بعرض جمال جمیع را گرفتار نمود پس آن دلبر آفاق چون با رُخی افروخته و موئی مشکبار جلوه ببازار نمود البتّه البتّه ولوله و فتنه بیش از یوسف کنعانی در عالم انسانی افکند اگر گناهی هست استغفر الله از معشوق است نه عاشق از محبوب است نه محبّ موافق

زنده دل باید در این ره صد هزار
تا کند در هر نفس صد جان نثار

لهذا باید بیاد تشنگان جام فدا پر موج بود و بذکر سرمستان صهبای فنا پرواز باوج کرد و شب و روز از خدا خواست که نصیبی از آن جام لبریز بریم و برائحه تقدیس عالم امکان را مشکبیز نمائیم عنقریب آیات فدا درین رقّ منشور آفاق چنان ترتیل گردد که شرق و غرب بحرکت آید زیرا چنین جانفشانی در نهایت مظلومیّت تا بحال در عالم انسانی واقع نشد دیگر ملاحظه فرمائید که چه تأثیراتی خواهد بخشید .

و نیز از حضرت عبدالهء است . قوله العزیز : هو الله ای بندهء بهاء سرهاست که در پای آن دلبر یکتا افتاده و جانها است که در سبیل آن مشعوق حقیقی در میدان وفا فدا گشته این از مقتضای عشق و محبت است و از شروط انجذاب و خلّت . . . مقصود این است که این از مقتضای حضرت عشق است و باید چنین باشد و الا هر خاری دم از عالم گل زند و هر جزئی آهنگ کلّ از حنجر برآرد هر خسیسی خود را شخص نفیس شمرد و هر اسیر طبیعتی خود را مظهر حقیقت داند لهذا امتحان بمیان آید و افتتان رخ بگشاید و صادق از کاذب ممتاز گردد .

و در خطابی دیگر قوله الحکیم : ای یاران روحانی من حقیقت انسانیت بمثابه خاک پاک است که آنچه زخم بیل و کلنگ و شخم بیشتر بیند قوه انبات مزداد شود و گل و ریاحین بیشتر و بهتر رویاند ملاحظه نمائید که مشاهیر آفاق از روحانیین و ربانیین و اشراقیین و حکمای الهی و اعظام بشر و اماجد هر کشور چقدر از عوام کالانعام ضرر دیدند و زجر کشیدند این نظر بحکم ربّ البشر است .

و نیز در لوحی خطاب به ملاً علی بجستانی در سال بعد از وقوع شهادت سلطان الشّهداء و محبوب الشّهداء در اصفهان است . قوله الاتمّ الاكمل : یا علی تفکّر درنور مشرق از افق صاد نما اکثری از عباد تا حین برشعی از بحر معرفت او اطاع نیافتند او بشهادت کبری فائز شده بود لعمری مضت علیه سنین معدودات و کان فانیا فی مشیة ربه و ارادة مولاہ بهیج وجه از خود خیالی و اراده و مشیّتی نداشتند و در کل حین مترصد امر الله بودند و بی اذن و اجازه حق در هیچ امری اقدام نمینمودند سالها بود که در ره دوست فدا شده بودند ولکن در ظاهر میگفتند و میشنیدند و مشی مینمودند این است شهادت کبری و مقام اعلی و رتبه علیا و این مقام بلند ابی به شهادت ظاهره مزین شد لئالی دریای زندگانی را اخذ کرد و در قدم دوست نثار نمود این است که بذکر اعظم فائز شد و قلم اعلی مدتی بذکرش مشغول اظهارا لعمله و مقامه و شأنه و خلوصه یا علی او بدو شهادت فائز شد و اگر تفصیل مقام اول ذکر شود البتّه اکثر ناس متحیر شوند .